



آساده محمد تقی مصباح زیدی

آموزش فلسفه

جلد



ketabtala

آموزش فلسفه

(جلد دوم)

مؤلف

استاد محمد تقی مصباح یزدی



شرکت چاپ و نشر بین الملل



شرکت چاپ و نشر بین‌الملل

نام کتاب: آموزش فلسفه (جلد دوم)

مؤلف: محمدتقی مصباح یزدی

نوبت چاپ: هفدهم - بهار ۱۳۹۶

نیتوگراف: چاپ و صحافی: آبرنگار، سپهر

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

طراح جلد: محمدرضا نبوی

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۰۸۸-۸

دفتر مرکزی

تهران، میدان استقلال، سدهی جرس، پلاک ۵

شماره سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۲۹۱۲۹۵۱

فکس: ۰۲۱-۳۲۹۱۲۹۵۲

فروشگاه مرکزی

میدان فلسطین، صحن امام، تهران، پلاک ۲ و ۳

تلفن: ۰۲۱-۸۹۱۲۱۹۸

فکس: ۰۲۱-۸۹۱۲۱۹۹

Email: info@publishing.ir

www.publishing.ir

مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۳ -

آموزش فلسفه / مؤلف: محمدتقی مصباح یزدی

تهران سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۸

ح ۲، جدول

ISBN 978-964-304-087-1 (ع ۱)

ISBN 978-964-304-088-8 (ع ۲)

ISBN 978-964-7126-63-2 (ع ۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات کتابخانه

کتابخانه ملی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۳

۱۶ طبقه الفبای سازمان تبلیغات اسلامی

به سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل،

م ۴، ۱۳۷۸

۱۳۷۸

۱۳۷۸ - ۱۳۹۱ م

کتابخانه مدرسه لایق

حقه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری،
استفاده از اینترنت و بارگیری، اخذ و کپی برداری
کتابخانه و جزی آن به جز کتابخانه جزی دولتی و
پرسه کتابخانه دولتی در صورت مجوز و با
اجازه و بدون مجوز کسی از نشر ممنوع و از طریق
مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه ناشر

کتابی که در دست خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد، دومین بخش از مجموعه درس‌های علمی و فلسفی استاد و متفکر گران‌قدر آقای محمدتقی مصباح بزدی تحت عنوان «آموزش فلسفه» است.

همان‌گونه که در مقدمهٔ جلد نخستین یادآور شدیم، برنری و ویژگی این مجموعهٔ تحقیقی و علمی در میان آثار ارزشمند استاد، امری است که در یک مقایسهٔ ابتدایی کاملاً مشهود و محسوس می‌گردد چه، دروس پادشده که توسط جمعی از فضیای محترم درس استاد تقریر گردیده، با قلم شیوا و نگارش شخصی ایشان به سبکی بسیار جالب و متفن، تحریر و تکمیل گشته و دقت کافی در انتخاب مباحث و عناوین و واژه‌های کتاب به عمل آمده که از هر نظر شایان توجه و قابل انکامی باشد.

به دلیل اتقان و استحکام و نیز شیوایی سبک نگارش و ترکیب و اسلوب بی‌سابقهٔ کتاب و تناسب آن با محیط‌های آموزشی، این مجموعه می‌تواند در محیط‌های علمی و دانشگاهی مطرح باشد و به همین دلیل از سوی دانشگاهیان و جمعی از اساتید فلسفه و معارف اسلامی طرح درسی نمودن کتاب عنوان گردیده که استقبال چشمگیر از این اثر علمی مؤید این پیشنهاد است.

سی درس این مجموعه در جلد اول منتشر گردید و در جلد دوم چهل درس دیگر آن منتشر می‌گردد، که سی درس مشتمل بر مباحث عامهٔ فلسفی در ادامهٔ مباحث پیشین است و ده درس در زمینهٔ «الهیات به معنی الاخص» و شناخت خدا

و صفات ثبوتیه و سلبیه واجب‌الوجود که در پاره‌ای موارد اضافه بر دلایل فلسفی به دلایل نقلی قرآنی نیز استناد به عمل آمده.

ما ضمن قدردانی از این اثر نفیس علمی و تشکر از مؤلف گران‌قدر آن، یادآور می‌شویم که این سلسله درس‌ها در زمینه معارف اسلامی در بخش‌های بعدی نیز ادامه می‌یابد که بعون الله تعالی و با بذل مساعی مؤلف محترم، بتوانیم بقیه مباحث را در اختیار دانش‌پژوهان و شیفتگان علم و تحقیق قرار دهیم.

معاونت فرهنگی

مقدمه

با پذیرفتن کثرت در موجودات، این سؤال پیش می‌آید که آیا موجودات مختلف، ارتباطی با یکدیگر دارند یا نه؟ و آیا وجود برخی از آنها متوقف بر وجود بعضی دیگر هست یا نه؟ و اگر هست چند نوع وابستگی وجودی داریم؟ و احکام و ویژگی‌های هر کدام چیست؟

اما اگر کسی کثرت حقیقی موجودات را نپذیرفت - چنان که ظاهر کلام صرفیه همین است - دیگر جایی برای بحث دربارهٔ ارتباط وجودی میان موجودات متعدده، باقی نمی‌ماند چنان که بحث دربارهٔ سایر تقسیمات وجود و موجود هم موردی نخواهد داشت.

در مبحث سابق، اشاره کردیم که اثبات تشکیک خاصی در وجود، متوقف بر اصولی است که باید در مبحث علت و معلول، ثابت شود. اینک وقت آن فرارسیده که به مسائل مربوط به علت و معلول پردازیم و اصول نام‌برده را نیز ثابت کنیم. ولی قبل از پرداختن به این مطالب باید توضیحی پیرامون مفهوم علت و معلول و کیفیت آشنایی ذهن با آنها بدهیم.

مفهوم علت و معلول

واژه «علت» در اصطلاح فلاسفه به دو صورت عام و خاص به کار می‌رود. مفهوم عام علت عبارت است از موجودی که تحقق موجود دیگری متوقف بر آن است، هر چند برای تحقق آن، کافی نباشد. و مفهوم خاص آن عبارت است از

موجودی که برای تحقق موجود دیگری کفایت می‌کند.

به عبارت دیگر: اصطلاح عامّ علت عبارت است از موجودی که تحقق یافتن موجود دیگری بدون آن، محال است. و اصطلاح خاصّ آن عبارت است از موجودی که با وجود آن، تحقق موجود دیگری ضرورت پیدا می‌کند.

چنان که ملاحظه می‌شود اصطلاح اول، اعم از اصطلاح دوم است؛ زیرا شامل شروط و معدّات و سایر علل ناقصه هم می‌شود به خلاف اصطلاح دوم. و توضیح علت ناقه و ناقصه و سایر اقسام علت، خواهد آمد.

نکته‌ای را که باید خاطر نشان کنیم این است که موجود وابسته (= معلول) تنها از همان جهت وابستگی و نسبت به موجودی که وابسته به آن است «معلول» نامیده می‌شود، نه از جهت دیگر و نه نسبت به موجود دیگر. همچنین علت از همان جهتی که موجود دیگری وابسته به آن است و نسبت به همان موجود «علت» نامیده می‌شود، نه از هر جهت و نسبت به هر موجودی.

مثلاً، حرارت از آن جهت که وابسته به آتش است و نسبت به علت خودش معلول است نه از جهت دیگر، و آتش از آن جهت که منشأ پیدایش حرارت می‌شود و نسبت به همان حرارت ناشی از آن: «علت» است، نه از جهت دیگر.

بنابراین منافاتی ندارد که یک موجود معین، نسبت به یک چیز «علت» و نسبت به چیز دیگری «معلول» باشد، و حتی منافاتی ندارد که حرارتی که معلول آتش خاصی است علت برای پیدایش آتش دیگری بشود. چنان که منافاتی ندارد که یک موجود علاوه بر حیثیت علّیت یا حیثیت معلولیت دارای حیثیت‌های دیگری باشد که با مفاهیم دیگری بیان می‌شوند؛ مثلاً، آتش علاوه بر حیثیت علّیت، دارای حیثیت‌های دیگری است که مفاهیم جوهر، جسم، تغییر پذیر و... از آن‌ها حکایت می‌کنند و هیچ کدام از آن‌ها عین حیثیت علّیت آن نیست.

کیفیت آشنایی ذهن با این مفاهیم

با توضیحی که درباره مفهوم علت و معلول داده شد روشن گردید که این

مفاهیم از قبیل مفاهیم ماهوی و معقولات اولی نیستند و چنان نیست که در خارج، موجودی داشته باشیم که ماهیت آن علّت یا معلولیت باشد. همچنین مفاهیم مزبور از قبیل معقولات ثانیه منطقی نیز نیستند؛ زیرا صفت برای موجودات عینی، واقع می‌شوند و به اصطلاح، ائصافشان خارجی است. پس این مفاهیم از قبیل معقولات ثانیه فلسفی هستند و بهترین شاهدش این است که برای انتزاع آنها باید دو موجود را با یکدیگر مقایسه کرد و حیثیت وابستگی یکی از آنها را به دیگری در نظر گرفت و تا این ملاحظه، انجام نگیرد این مفهوم‌ها انتزاع نمی‌شوند. چنان که اگر کسی هزاران بار آتش را ببیند ولی آن را با حرارت ناشی از آن، مقایسه نکند و رابطه آنها را با یکدیگر در نظر نگیرد نمی‌تواند مفهوم علّت را به آتش و مفهوم معلول را به حرارت، نسبت دهد.

اکنون این سؤال، مطرح می‌شود که اساساً ذهن ما از کجا با این مفاهیم، آشنا شده و به وجود چنین رابطه‌ای بین موجودات، پی برده است؟

بسیاری از فلاسفه غربی پنداشته‌اند که مفهوم علّت و معلول، از ملاحظه تقارن یا تعاقب دو پدیده به طور منظم، به دست می‌آید یعنی هنگامی که می‌بینیم آتش و حرارت پیوسته با یکدیگر یا پی‌درپی تحقق می‌یابند، مفهوم علّت و معلول را از آنها انتزاع می‌کنیم و در حقیقت، محتوای این دو مفهوم، چیزی بیش از هم‌زمانی یا پی‌درپی آمدن منظم دو پدیده نیست.

ولی این پندار نادرستی است؛ زیرا در بسیاری از موارد، دو پدیده منظمأ با هم یا پی‌درپی تحقق می‌یابند درحالی‌که هیچ کدام از آنها را نمی‌توان علّت دیگری به حساب آورد. چنان که نور و حرارت در لامپ برق همیشه با هم پدید می‌آیند و روز و شب همواره پی‌درپی به وجود می‌آیند ولی هیچ کدام از آنها علّت پیدایش دیگری نیست.^۱

ممکن است گفته شود: هنگامی که پدیده‌ای را مورد آزمایش‌های مکرر، قرار

۱. در این باره، توضیح بیشتری در درس س و پنجم خواهد آمد.

می‌دهیم و می‌بینیم که بدون موجود دیگری تحقق نمی‌یابد در این صورت، مفهوم علت و معلول را از آنها انتزاع می‌کنیم.

ولی می‌دانیم که آزمایشگران پیش از اقدام به انجام آزمایش معتقدند که میان پدیده‌ها رابطه علیت، برقرار است و هدفشان از آزمایش این است که علت‌ها و معلولهای خاص را بشناسند و بفهمند چه چیزی علت پیدایش چه پدیده‌ای است. پس سؤال به این صورت، مطرح می‌شود که ایشان قبل از انجام دادن آزمایش، از کجا به مفهوم علت و معلول، پی برده‌اند؟ و از کجا دانسته‌اند که در میان موجودات، چنین رابطه‌ای وجود دارد تا بر اساس آن، درصدد کشف روابط خاص علی و معلولی برآیند؟

به نظر می‌رسد که انسان، نخستین بار، این رابطه را در درون خود و با علم حضوری می‌یابد و مثلاً ملاحظه می‌کند که فعالیت‌های روانی و تصمیم‌گیری‌ها و تصرفاتی که در مفاهیم و صورت‌های ذهنی می‌کند کارهایی است که از خودش سر می‌زند و وجود آنها وابسته به وجود خودش می‌باشد درحالی‌که وجود خودش وابسته به آنها نیست. و با این ملاحظه است که مفهوم علت و معلول را انتزاع می‌کند و سپس آنها را به سایر موجودات تعمیم می‌دهد.

تقسیمات علت

وابستگی موجودی به موجود دیگر به صورت‌های مختلفی تصور می‌شود؛ مثلاً، پیدایش صندلی از یک سوی، وابسته به چوبی است که از آن ساخته می‌شود، و از سوی دیگر به نجاری که آن را می‌سازد، و از جهتی به دانش و هنری که نجار دارد، و نیز به انگیزه‌ای که باید برای ساختن آن داشته باشد. و متقابلاً برای علت هم اقسامی را می‌توان در نظر گرفت. و چون احکام همه علت‌ها یکسان نیست لازم است پیش از پرداختن به بیان قوانین علیت و احکام علت و معلول، اقسام علت و اصطلاحات آنها را یادآور شویم تا هنگام بررسی مسائل مربوطه، دچار خلط و اشتباه نشویم.

Teaching Philosophy

by:

Mohammad Taghi Mesbah Yazdi

Volume 2



شرکت چاپ و نشرین العلم

کتابخانه مرکزی - خیابان ولیعصر

تهران - ۱۹۹۴۴ - ۱۹۹۴۴

WWW.MSYB.COM

ISBN 978-964-506-082-8

